

چند تفاوت دعوای حقوقی و کیفری

دعوای کیفری مربوط به عملی است که برای مرتکب آن، دادگاه مجازات تعیین می‌کند ولی برای دعوای حقوقی دادگاه مجازاتی در نظر نمی‌گیرد و فقط مرتکب عمل را به دادن حقوق قانونی دیگران یا انجام تکالیفش ملزم می‌کند. شکایت کیفری را در هر کاغذی می‌توان نوشت و به مرجع قضایی برد ولی دادخواست حقوقی حتماً با پرداخت ورقه مخصوصی به نام دادخواست نوشته شود والا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.



نقشه فرزند بر عهده چه کسی است؟

نقشه فرزند بر عهده پدر است و چه، این پدر حضانت را به عهده داشته باشد یا اینکه حضانت بر عهده مادر یا شخص دیگری باشد، پرداخت نفقه فرزند که به طور عمده شامل مسکن، لباس، خوراک و نیازهای درمانی است، به عهده پدر است که در صورت خودداری از پرداخت (با وجود داشتن استطاعت مالی) جرم بوده و در صورت شکایت ذی‌نفع، دادگاه او را به حبس از ۳ ماه و یک روز تا ۵ ماه محکوم می‌کند.



باشگاه و کلا

معامله صوری برای فرار از پرداخت مهریه



یوکا بد مشفق
وکیل دادگستری

معامله صوری، معامله‌ای است که در آن به شکل واقعی معامله‌ای صورت گرفته باشد؛ یعنی پولی رد و بدل نشده باشد و خریدار و فروشنده نیز نیت انجام معامله را نداشته باشند. معامله صوری برای فرار از مهریه، زمانی که اختلاف زن و شوهر جدی می‌شود و معمولاً بعد از ابلاغیه دادگاه یا اداره ثبت، بیشتر صورت می‌گیرد.

در این زمان شوهر اقدام به انتقال اموال برای فرار از مهریه می‌کند. زیرا در زمان طرح و پذیرش درخواست توقیف و استعلام اموال و ابلاغ اجرائیه به زوج، زمان زیادی صرف می‌شود. در این فاصله، عموماً زوج اموال خود را به نام اشخاص دیگر که معمولاً از اقوام نزدیک و درجه یک زوج هستند، می‌نماید. زوجه که مدعی است انتقال اموال توسط همسرش به نحو صوری، صورت گرفته می‌بایست دادخواست اثبات معامله صوری و ابطال آن را طی دادخواست در دادگاه حقوقی مطابق مقررات طرح کند.

در صورتی شکایت کیفری مطابق ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قابل طرح است که پس از صدور رأی قطعی مهریه به از سوی دادگاه این انتقال و معامله صوری صورت گرفته باشد، بنابراین اگر بعد از اختلاف زوجین، بایستی بعد از اخطار به دادگاه و یا اقدام مطالبه مهریه از طریق اداره ثبت انتقال اموال حتی به نزدیکان صورت گرفته باشد جرم معامله به قصد فرار از دین محقق نخواهد شد و صرفاً از طریق طرح دادخواست حقوقی رأی به ابطال معامله مزبور صادر خواهد شد.

نکته قابل توجه اینکه معامله به قصد فرار از دین اگر به نحو صوری باشد، قابل ابطال از سوی دادگاه است و اگر به نحو واقعی انتقال صورت گرفته باشد، باطل نبوده و نهایتاً پس از قطعیت رأی مهریه در صورتی که شوهر دادخواست اعسار از پرداخت مهریه طرح کند، دادگاه اعسار ایشان را به لحاظ اینکه در قبالت انتقال و فروش اموالش، وجهی دریافت کرده، به میزان مبلغ مال فروخته شده نخواهد پذیرفت.

مجازات معامله به قصد فرار از دین برای مرتکب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش - بیش از ۶ ماه تا ۲ سال و بیش از ۲ میلیون تومان تا ۸ میلیون تومان - یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات خواهد بود. فردی که مال به او انتقال یافته، به صورت دانستن صوری بودن معامله، در حکم شریک جرم خواهد بود و اگر مال در مالکیت او باشد، عین مال به عنوان جرمه از او گرفته می‌شود در غیر این صورت، قیمت یا مثل آن مال از اموال انتقال گیرنده به عنوان جرمه گرفته خواهد شد.

صرافی‌های رمز ارز و اقدامات غیر قانونی



زینب ریاضت
وکیل دادگستری

باتوجه به اینکه در ایران در سال‌های اخیر، به دلیل نابسامانی‌های مستمر و فراگیر در بازار سرمایه، تعداد زیادی از شهروندان به سرمایه‌گذاری در حوزه رمز ارزها روی آورده‌اند. خالهای قانونی در این زمینه می‌تواند آسیب بسیار ایجاد کند؛ چراکه خرید و فروش ارزهای دیجیتال در حال حاضر از بستر و پشتوانه حقوقی درستی برخوردار نیست و به رسمیت شناختن صرافی‌های قانونی ارز دیجیتال از سوی بانک مرکزی بعد از رفع ایرادات قانونی تنها راهکار پیشنهادی جهت قانونی‌بودن فعالیت‌های مذکور است.

وفق مقررات فعلی بانک مرکزی انتشار رمز ارز با پشتوانه ریال، طلا و فلزات گرانبها و انواع ارز در انحصار بانک مرکزی است و تشکیل و فعالیت اشخاص برای ایجاد و اداره شبکه پولی و پرداخت مبتنی بر فناوری زنجیره بلوک، از نظر بانک مرکزی، غیرمجاز است و لذا بانک مرکزی حق پیگرد قانونی اشخاصی که با نادیده گرفتن مقررات، به ایجاد و اداره شبکه اقدام یا نسبت به آن تبلیغ می‌کنند را دارد. لازم به ذکر است با وجود نارسایی قانونی برخی از ضوابط و الزامات حوزه رمز ارزها و فعالیت برخی شرکت‌ها و صرافی‌ها دستورالعمل رمز ارزهای مجاز توسط بانک مرکزی تدوین و ابلاغ شده است. به موجب مقررات بانک مرکزی و قانون پولی و بانکی کشور (مصوب سال ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن) تولید و انتشار پول رایج و تعیین ابزارهای پرداخت در انحصار بانک مرکزی است و رعایت و اجرای مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ سی‌امین جلسه «شورای عالی مبارزه با پولشویی» در خصوص رمز ارزها نیز ضروری است. وفق سند «الزامات و ضوابط حوزه رمز ارزها» ابلاغی بانک مرکزی صرافی‌های دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پس از احراز شرایطی که توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود، مجاز به ارائه خدمات صرافی رمز ارز هستند و بانک مرکزی امکان اعطای مجوزهای جدید صرافی رمز ارزی را در زمان مقتضی بررسی کرده و نتایج آن را اعلام می‌کند. ضمناً مسئولیت صحت عملکرد پلتفرم صرافی‌ها و تضمین ملاحظات امنیتی آن نیز بر عهده مالکان صرافی خواهد بود و در صورت هرگونه نقض امنیتی پلتفرم، صرافی مذکور موظف به پرداخت خسارت به کاربران هستند. همچنین فهرست رمز ارزهای قابل مبادله در صرافی‌های رمز ارزی، توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و در بازه‌های سه ماهه به صرافی‌های رمز ارزی ابلاغ می‌شود و صرافی‌های رمز ارزی باید قوانین مبارزه با پولشویی را نیز رعایت و همه اطلاعات مربوط به خرید و فروش، مشتریان و همچنین دلایل و منشأ معاملات را ثبت کنند و در صورت درخواست در اختیار بانک مرکزی قرار دهند.

صرف‌نظر از اینکه عموم صرافی‌های رمز ارز در ایران بدون مجوز بانک مرکزی در حال فعالیت هستند در مواردی نیز در کنار فعالیت‌های خود در حوزه تبادل رمز ارز، مرتکب اقدامات غیر قانونی دیگری نیز می‌شوند که می‌تواند مصداق جرم کلاهبرداری و اختلال در نظام اقتصادی نیز باشد. کما اینکه در برخی از پرونده‌های مهم صرافی‌های مذکور عرضه «توکن» غیر قانونی، بدون پشتوانه یا غیر معتبر، تمرکز عمده سرمایه در چند کیف پول و ایجاد نوسان جهت تخلیه سرمایه مردم، موج‌سازی‌های جعلی و غیر واقعی، قیمت‌سازی جعلی، عدم فروش رمز ارز با وجود درخواست سرمایه‌گذار یا فروش با تأخیر جهت کسب منافع غیر قانونی توسط مالکین صرافی، فروش رمز ارزهای جعلی یا شبیه‌سازی شده و کیف پول‌های سرمایه‌گذاران تنها بخشی از شگردهای رایج متهمین پرونده‌های مذکور است که در حال حاضر مبنای اقدام قضایی و موجب تطبیق پرونده‌های مذکور با جرائم کلاهبرداری و اختلال در نظام اقتصادی شده است. لذا علاوه بر اقدام عاجل جهت رفع خالهای قانونی در این زمینه، اطلاع‌رسانی ابعاد موضوع و هشدار مناسب به مردم با هدف پیشگیری از وسعت دامنه جرائم مذکور نیز اهمیت بسیار دارد.

به چه کسی محجور می‌گویند؟



محمد رضا گیوکی
وکیل دادگستری

کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود، عقلایی نباشد «اشخاص غیر رشید یا سفیه، به کسانی گفته می‌شود که به رغم آنکه به سن قانونی رسیده‌اند، توانایی درک، تشخیص و تمیز خوب و بد مسائل مالی را ندارند.

دسته سوم مجانین

مجانین جمع مجنون است و مجنون کسی است که قوه عقل و درک نداشته و به اختلال قوای دماغی مبتلا بوده و مختل المشاعر است. احراز جنون توسط دادگاه صورت می‌گیرد. قانون مدنی در ماده ۱۲۱۱، به تبعیت از نظر مشهور فقها بیان می‌دارد: «جنون به هر درجه که باشد، موجب حجر است.» شرایط ازدواج محجورین، با توجه به نوع حجر آنها، به شرح زیر است:

شرایط ازدواج صغیر ممیز و غیر ممیز

برای ازدواج صغیر غیر ممیز، یعنی طفلی که هنوز، به سن تمیز که اساساً تا ۷ سال در نظر گرفته می‌شود نرسیده، فارغ از جنسیت او، ولی قهری او باید، با رعایت مصحلت طفل، این امر را اجازه دهد اما در خصوص صغیر ممیز، مستفاد از ماده ۱۰۴۱ و ۱۰۴۳ قانون مدنی، پسران تنها تا ۱۵ سالگی و دختران تا ۱۳ سالگی و تا زمانی که باکره هستند، نیاز به اجازه ولی قهری خود، برای ازدواج دارند.

شرایط ازدواج سفیه

برای ازدواج سفیه، صرفاً، در خصوص مهریه، ولی قهری یا قیم او، باید، مهر تعیین شده را تنفیذ کند اما اصل عقد نکاح، در مردان سفیه، در مواردی که بالای ۱۵ سال هستند، شرایط ویژه‌ای نداشته و در صورت داشتن رضایت، قصد و مشروعیت جهت، قابل انعقاد است. در خصوص بانوان سفیه، چنانچه باکره باشند یا زیر ۱۳ سال، اذن ولی قهری نیاز است و در غیر این موارد، صرفاً، قبول میزان مهریه، از سوی ولی قهری، وصی یا قیم، باید تنفیذ شود.

شرایط ازدواج مجنون

مجنون دائمی، در هر حالت، صرفاً، پس از تشخیص پزشکی، مبنی بر ضروری بودن ازدواج برای او، با اجازه دادستان و توسط ولی قهری (یا فتن همسری مناسب، از جانب او برای مجنون دائمی)، می‌تواند ازدواج کند اما مجنون ادواری مرد و زن غیر باکره، در زمان‌های سلامت، در صورت وجود قصد و رضا، مشروعیت جهت و رسیدن به سن ۱۵ سال در مردان و ۱۳ سال در زنان، می‌تواند بدون نیاز به اذن ولی قهری، اقدام به عقد نکاح کند و نکاح آنها صحیح و نافذ است.

دسته دوم اشخاص غیر رشید

به موجب ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی: غیر رشید،

بر اساس ماده ۹۵۶ قانون مدنی، اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

اهلیت افراد نسبت به مال خود بر دو گونه تقسیم می‌شود. هر شخصی به محض تولد به صورت بالقوه، توانایی دارا شدن یکسری حقوق را دارد. بنابراین اهلیت تمتع از بدو تولد برای فرد به وجود می‌آید و با مرگ او اهلیت تمتع از بین می‌رود.

همه اشخاص اهلیت تمتع دارند اما همه اشخاص اهلیت استیفا بر خود دار نیستند. آن دسته از اشخاصی که از اهلیت استیفا بر خود دار نیستند را محجور می‌گویند.

شخصی که محجور شناخته شود حق استیفا و تصرف در اموال خود را با صلاح دید خود ندارد و اگر چنانچه مثلاً معامله‌ای انجام دهد محکوم به بطلان است.

محجور شامل چه اشخاصی می‌شود؟

بر اساس ماده ۱۲۰۷، اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار
۲. اشخاص غیر رشید
۳. مجانین

دسته اول صغار

صغیر در لغت به معنای کوچک و خرد است و در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که به بلوغ نرسیده و از توانایی روحی لازم برای اداره امور زندگی خود بهره‌مند نیست. البته فقط به سن بلوغ رسیدن به تنهایی نمی‌تواند ویژگی کافی برای صغیر نبودن باشد لذا چه بسا لازم است علاوه بر شرایط سنی، رشد و نمو کامل از نظر روحی برای اداره زندگی شخصی وجود داشته باشد.

اما در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی گفته شده است که هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان محجور شناخت مگر آنکه عدم رشد و جنون آن ثابت شده است. از این ماده می‌توان اینچنین دریافت که قانونگذار بلوغ را به عنوان اماره و نشانه جهت تشخیص رشد قرار داده است.

ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی ایران با اشاره به این موضوع بیان داشته است: «اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است. مع ذلک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند، مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات.»